

درس تفسیر استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: تفسیر سوره بقره
موضوع جزئی: آیه ۲۹_ هدف از امکان تسخیر عالم در روایات_
بخش دوم (ثم استوی....)
تاریخ: ۱۴ بهمن ۱۳۹۷
مصادف با: ۲۷ جمادی الاولی ۱۴۴۰
جلسه: ۳۶

﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ وَاللَّعْنُ عَلَى أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ﴾

هدف از امکان تسخیر عالم توسط انسان در روایات

ما اجمالاً درباره پیام کلی این آیه مطالبی را عرض کردیم و گفتیم که پیام کلی این سه بخش این است که این عالم در تسخیر انسان‌ها و برای رسیدن انسان به مقصد اصلی خلق شده است.

اما برای اینکه هدف تسخیر به روشنی معلوم شود، روایتی از امیرمؤمنان علی (علیه السلام) در ذیل این آیه می‌خوانیم تا معلوم شود که به چه دلیل این عالم مسخر انسان قرار داده شده است.

عن أمير المؤمنين في قول الله عزّ و جلّ «هو الذي خلق لكم ما في الأرض جميعاً ثم استوى إلى السماء فسوّاهنّ سبع سماوات و هو بكلّ شيءٍ عليم»، حضرت فرمودند «لتعتبروا به و تتوصّلوا به إلى رضوانه و تتوقعوا به من عذاب نيرانه»؛ خداوند متعال همه آنچه را که در این زمین وجود دارد برای شما خلق کرد تا عبرت بگیرید و به وسیله این مخلوقات، توصل به رضوان الهی پیدا کنید و از عذاب دوزخ او خود را حفظ کنید. بعد ربط آن را با «و هو بكلّ شيءٍ عليم» این چنین بیان می‌کند: «و لعلمه بكلّ شيءٍ علم المصالح و خلق لكم كل ما في الأرض لمصالحكم يا بني آدم»، اگر خداوند عالم به همه چیز است، معنایش این است که اوست که مصالح شما انسانها را می‌شناسد و اوست که این آسمان‌ها و زمین را برای مصالح شما خلق کرده و لذا هدف اعلاى خلقت، طی مسیر در آن مسیری است که خداوند متعال بیان کرده، یعنی خداوند به انسان و نیازهای او و هر آنچه که موجب سعادت و شقاوت اوست عليم است. مصالح انسان را می‌شناسد، آسمان و زمین را هم او خلق کرده و اوست که می‌داند در این آسمان و زمین چگونه این مخلوقات می‌توانند انسان را برای رسیدن به آن مصالح مساعدت کنند.

امیرالمؤمنین در نهج البلاغه نیز همین مطلب را به یک بیان دیگری می‌فرماید، «وَعَمَلُوا لِلْجَنَّةِ عَمَلَهَا فَإِنَّ الدُّنْيَا لَمْ تَخْلُقْ لَكُمْ دَارَ مَقَامٍ بَلْ خَلَقَتْ لَكُمْ مَجَازاً لَتَرْوِدُوا مِنْهَا الْأَعْمَالَ إِلَى دَارِ الْقَرَارِ، تَكُونُوا مِنْهَا عَلَى أَوْفَازٍ وَ قَرَّبُوا الظُّهُورَ لِلزِّيَالِ لِلزَّوَالِ»^۱.

می‌فرماید برای جنت و بهشت کار کنید چون دنیا برای ماندگاری و باقی ماندن خلق نشده بلکه مجازاً خلق شده است. منظور از مجازاً یعنی اینکه این مقصود بالذات نیست بلکه برای این خلق شده که شما از این دنیا با اعمالتان توشه بگیرید به سوی خانه ماندگار و مستقرتان. امیرالمؤمنین می‌فرماید که دنیا خلق شده برای انسان و انسان هم خلق شده برای وصول به آن مقاصد پس نتیجه می‌گیریم که دنیا خلق شده است برای وصول به آن مقاصد. این یک قیاس شکل اول است که سیر کلی حرکت انسان را بیان می‌کند.

این یک خط کلی است که در قرآن هم به آن اشاره شده و در روایات هم ذکر شده است از جمله آیه «وَسَخَّرَ لَكُمْ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مِنْهُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ»^۲، خداوند متعال همه آنچه که در آسمان و زمین است، مسخر شما قرار داد و همگی به امر اوست.

بخش دوم آیه (ثم استوی إلى السماء...)

بعد از بیان بخش اول وارد بخش دوم می‌شویم. در بخش دوم خداوند می‌فرماید «ثم استوی إلى السماء فسواهن سبع

سماوات و هو بكلّ شیءٍ علیم»؛

معنای استواء

استوی گاهی با «إلی» متعدی می‌شود و گاهی با «علی».

اگر با «علی» متعدی شد، به معنای تسلط و استیلاء است مثل آیه «استوی علی العرش»^۳. یعنی خداوند متعال بر عرش استیلاء و تسلط پیدا کرد.

اگر استوی با «إلی» ذکر شد، به معنای قصد و آهنگ چیزی کردن است، وقتی می‌گویند استوی إلى السماء، یعنی قصد و آهنگ آسمان کرده است، و در ادامه می‌گویند پس تسویه کرد و خلق کرد این را در هفت آسمان و آن را در حالت توسط و اعتدال قرار داد. اینجا نکات متعددی وجود دارد که ما باید حتماً ولو در حد اشاره آنها را بیان می‌کنیم.

۱. نهج البلاغه خطبه ۱۳۲.

۲. سوره جاثیه آیه ۱۳.

۳. سوره اعراف آیه ۵۴.

کیفیت دلالت بخش دوم بر تسخیر آسمان‌ها توسط انسان

عرض کردیم که آیه یک پیام کلی دارد و آن این که هر آنچه در آسمان و زمین خلق شده، برای شما است و برای وصول به مقصد اعلی؛ این نکته در بخش اول آیه به وضوح بیان شده است. اما در بخش دوم به اینکه آسمان‌های هفت‌گانه برای شما خلق شده، اشاره نشده است. لذا ما چگونه می‌توانیم از این آیه آن را کشف کنیم؟ این سخن در مقام امتنان است و خدا دارد تفضل خودش را نشان می‌دهد و می‌گوید خدایی که زمین را برای شما خلق کرد، همین خدا کأن خلق خودش را تکمیل کرد و هفت آسمان را هم برای شما آفرید. سیاق آیه و تناسب حکم و موضوع آن اقتضاء می‌کند که ما بگوییم خلق آسمان و آسمان‌های هفت‌گانه هم برای انسان بوده است. یعنی وقتی به مجموع آیه نگاه می‌کنیم، این مطلب برداشت می‌شود ولو اینکه تصریحا بیان نشده باشد.

تقدم یا تأخر خلق آسمان و زمین

نکته دیگری که در همین رابطه قابل ذکر است، این است که خلق آسمان مقدم است یا زمین و این یک مسئله‌ای مهم است که از دوران صحابه تاکنون محل اختلاف و بحث بوده است. مقتضای برخی از آیات این است که آسمان قبل از زمین خلق شده و مقتضای برخی دیگر از آیات این است که خلقت زمین قبل از آسمان بوده است. این اختلاف در روایات هم وجود دارد و لذا برخی از بزرگان مثل صدر المتألهین در پی حل تعارض روایات مربوط به تقدم و تأخر خلقت آسمان و زمین بر آمده‌اند. به هر حال این مسئله، مسئله بحث بر انگیزی بوده و روشن است که در چنین مسئله‌ای نمی‌توانیم با برهان عقلی یکی از این دو طرف را تثبیت کنیم. اصلا برهان عقلی در چنین موضعی جایگاهی ندارد برای اینکه آسمان و زمین اجرام مادی هستند و اینکه این چه زمانی خلق شده‌اند معلوم نیست پس با دلیل عقلی نمی‌توانیم سراغ کشف واقعیت برویم. یا باید با دلیل نقلی معتبر مدعا را اثبات کنیم یا با قوانین قطعی تجربی بدست آوریم که کدام یک از اینها مقدم بر دیگری است. البته قواعد تجربی قطعی هم نداریم و لذا تنها منبع ما برای داوری در این بحث، ادله نقلیه است که منحصر است در آیات و روایات و لذا باید اینها را مورد بررسی قرار دهیم.

همین آیه این که تلاوت کردیم، ظهور در تقدم أرض دارد چون می‌فرماید «هوَالَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا ثُمَّ اسْتَوَى»، یعنی بعد از آنکه خدا زمین را خلق کرد قصد آفرینش آسمان نمود.

روایاتی را هم با این مضمون می‌توانیم ذکر کنیم. در یک روایت از امام رضا علیه السلام وارد شده است درباره «وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الْحُبُوبِ»^۱ پرسیدند «کیف یکون محبوبه ذلك، جعلنا الله فداك؟ قال: فبسط كفّه اليسرى ثم اوضع اليمينى عليها، فقال:

۱. سوره ذاریات آیه ۷.

هذه أرض الدنيا و سماء الدنيا عليها فوقها قبة، و الأرض الثانية فوق السماء الدنيا و السماء الثانية فوقها قبة، و الأرض الثالثة فوق السماء الثانية و السماء الثالثة فوقها قبة»^۱ امام (عليه السلام) اول دست چپ را باز کردند و فرمودند که این زمین اول است، بعد دست راست را بالای آن قرار دادند و فرمودند این آسمان است، بعد دست چپ را دوباره بالای دست راست قرار دادند و فرمودند بالای آسمان اول، زمین دوم است و بالای زمین دوم، آسمان دوم است و به همین ترتیب تا هفت و آسمان و زمین را ترسیم کردند.

البته این یک طایفه از روایات است و ولی معارض هم دارند.

به هر حال آیه محل بحث ظهور در تقدّم خلقت زمین بر آسمان دارد بخاطر لفظ «ثم» که دلالت دارد بر تأخر آفرینش آسمان.

اما در برخی از آیات و روایات مطلب بر عکس آمده است از جمله این آیه «اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ وَمِنَ الْأَرْضِ مِثْلَهُنَّ يَتَنَزَّلُ الْأَمْرُ بَيْنَهُنَّ لِتَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَأَنَّ اللَّهَ قَدْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا»^۲ در اینجا اشاره به خلق هفت آسمان شده و می‌فرماید زمین هم خلقت هفت‌گانه دارد. البته اینجا می‌تواند صرفاً بیان تشابه در عدد ۷ باشد نه ترتیب در خلق. آیات دیگری هم در اینجا داریم ولی مهم‌تر از این، روایاتی است که در این مورد نقل شده است از امیرالمؤمنین و همانطور که عرض کردم صدر المتألهین در صدد رفع تعارض بر آمده است.

بحث جلسه آینده

یک راه حلی را هم برای تعارض بین این دو دسته از روایات و تقدّم و تأخر اینها ذکر کرده که باید دید آن راه حل کامل است یا خیر و باید دید که راه جمع بین این دو دسته چیست.

«والحمد لله رب العالمين»

۱. نور الثقلین ج ۵ ص ۳۶۶.

۲. سوره طلاق آیه ۱۲.